

تبیین شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام مبلغ بزرگ قیام عاشورا

زهرا زحمتکش^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۵

چکیده

حضرت زینب علیها السلام در واقعه بزرگ کربلا، با کمال صبر و استقامت به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و آرمان‌های الهی پرداخت. اگر استقامت این بانوی بزرگ نبود، حادثه کربلا اثر کافی را نداشت و دشمنان نمی‌گذاشتند پیام کربلا به نسل‌های آینده منتقل شود. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای به تبیین شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام بزرگ مبلغ قیام عاشورا می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که یکی از فضایل و خصایص حضرت زینب علیها السلام مقام علمی اوست. ایشان زنی دانشمند، سخنور، فصیح و بلیغ بود و با سخنانش، نهضت عاشورا را به بهترین و نیکوترین وجه ممکن به پایان رساند. هم‌چنین خطبه‌های آگاهانه و حکیمانه او که با استناد به آیات قرآن کریم بوده است، زمینه سقوط حکومت اموی را فراهم و آخرین ضربه را بر پیکر حکومت آنان وارد کرد. بعد از واقعه عاشورا، حضرت زینب علیها السلام به وظیفه خود که تبلیغ اهداف قیام حسینی و ماهیت قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود، عمل نموده بود و با بیان خطبه‌های شیوا با مضامین و محتوای ارزشمند، رسالت امام

۱. مدرس جامعه المصطفی العالمیه - کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی
(z.zahmatkesh1@yahoo.com)

حسین علیه السلام را به اتمام رساند. بی شک توفیق آن بزرگوار در حرکت سیاسی، فرهنگی ابلاغ پیام مظلومیت حسین علیه السلام را می‌باید با ساختار فکری، علمی و نظری عمیق ایشان که در غالب خطبه‌های آتشین متجلی گردید و هم‌چنین بهره‌گیری مناسب وی از شیوه‌های تبلیغی در رساندن پیام واقعه عاشورا مرتبط دانست.

کلیدواژگان: حضرت زینب رضی الله عنها، کربلا، شیوه‌های تبلیغی، قیام عاشورا.

مقدمه

بی شک یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اثربخشی هر پیام و در نتیجه اقناع مخاطبان آن، وجود منبع موثق و معتبری برای بازتاب و بازگویی هر رویداد و واقعه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. به گونه‌ای که ضامن صحت و درستی هر خبری در گرو وجود منبعی صادق و آگاه است. بیان واقعه جانگداز عاشورا و شرح مصائب و صحنه‌های جانسوز آن، مطابق با واقعیات تاریخی رویداد، به گونه‌ای که حق مطلب ادا گردد و رسالت ابلاغ پیام احیاگردین که تنها با ریختن خون امام راستین و برحق‌ی چون حسین علیه السلام کامل می‌گردید، بدون وجود مبلغی عالم، شجاع، متوکل و صبور ممکن نبود. حضرت زینب رضی الله عنها با آن روح بزرگ و قدسی از ایفای رسالت ابلاغ حقانیت حسین علیه السلام و افشای ماهیت پلید خاندان امویان، با تحمل بلاها و مصائب جان فرسا، به بهترین صورت قابل تصور برآمد و بی شک بدون برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی متعالی و فضائل علمی و اخلاقی برجسته، چنین موفقیتی در ابلاغ پیام حسین علیه السلام امکان‌پذیر نبود. اگرچه گوهر وجود بی‌مثال آن حضرت رضی الله عنها، بنا به تعبیر استاد مطهری، بعد از واقعه کربلا و تحمل مصائب جان فرسا، عظمت و شکوه بیش‌تری هم یافت؛ اما لازمه ایفای رسالت سنگین ابلاغ پیام مظلومیت حسین علیه السلام و افشای شجاعانه و اثربخش ماهیت حاکمان بنی‌امیه، متضمن برخورداری از خصائصی است.

چنانچه عاشورا را پدیده‌ای بدانیم که به وجودآورنده آن حسین بن علی علیه السلام باشد، پرورش‌دهنده این پدیده زینب رضی الله عنها دختر علی علیه السلام خواهد بود. وظیفه مهم او پس از عصر عاشورا، پاسداری از نهضت خونین امام حسین علیه السلام و رساندن پیام «هیئات منا الذله» او برای جهانیان است. او راه سخت و دشواری را در پیش داشته است.

خطبه‌های آتشین و بلندپایه حضرت زینب رضی الله عنها همه نقشه‌های شوم یزیدیان را برآب کرد و

همچون رعد و برق، روشن گرو کوبنده بود که تمامی بافته‌های سی و چند ساله بنی‌امیه را از بین برد و شورشی بنیادین علیه بنی‌امیه برنامه‌ریزی کرد و کاخ امویان را برای همیشه لرزاند و واژگون کرد. بی‌گمان اگر تحمل مصائب دشوار واقعه کربلا و شهادت جان‌گداز حسین و فرزندانش بر زینب علیها السلام ممکن گردید، تا آن‌جا که تجربه آن همه بلا و مصیبت غم‌ناک، از او شخصیتی شجاع، راسخ، صبور ساخت و لذا ایفای ابلاغ پیام مظلومیت حسین علیه السلام در بهترین شکل ممکن در سایه وجودی تحقق پیدا کرد، که بارها در کوران حوادث از امتحانات الهی سربلند برخاسته بود.

بنابراین بررسی و شناخت سیاست‌ها شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام به عنوان فرضیه پژوهش پیش رو است. در ادامه این مقاله، برخی از مهم‌ترین آن ویژگی‌ها را در راستای تبیین ابعاد وجودی حضرت زینب علیها السلام که به درک شخصیت مبلّغ آن پیام‌خونین، سودمند واقع گردد بر شمرده می‌شود.

جایگاه تبلیغ حضرت زینب علیها السلام

۱. در اجتماع

حضرت علیها السلام با احاطه کامل بر روش‌های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی امویان به بیداری و آگاه‌سازی مسلمانان در مورد انحراف‌های آنان می‌پرداخت. وی این رویارویی اسلام اصیل و اسلام دروغین را، مواجهه اسلام و کفر می‌دانست و حقایق تاریخی بسیاری را آشکار می‌ساخت. آن حضرت علیها السلام از کودکی، در رخدادهای سیاسی و حوادث بزرگی حضور داشت. حضرت زینب علیها السلام باید در همه عرصه‌های جهاد و مبارزه، حضور فعال داشته باشد. هم خطیب، هم محافظ حضرت سجاد علیه السلام و اسرای دیگر و هم هدایت‌گر و ترسیم‌گر خط مشی سیاسی کاروان باشد. و هم بیان‌کننده احکام شرع، هم بیدارکننده دل‌ها و پاسخ‌گوی یاوه‌سرایی دشمن. بدین ترتیب، ایشان در بحرانی‌ترین لحظات زندگی خود، درحالی‌که سختی‌ها از هر طرف او را فراگرفته بود، توانست به خوبی به وظیفه الهی خویش عمل نماید. (مدنی، ۱۴۰۱، ص ۲۳)

۲. در نهضت عاشورا

امام حسین علیه السلام برای بیداری مسلمانان، فقط به شمشیر و قیام در میدان نبرد بسنده نمود.

بلکه از ابزارهای نرم و تأثیرگذار دیگری چون افکار عمومی و هدایت آن‌ها به سوی مقصد و مطلوب قیام بهره جست. آن حضرت در هر فرصت و بستری که برای کار فرهنگی و تبلیغی فراهم بود، به قدرت بیان متوسل می‌شد و به تشریح علل ایجاد و غایی قیام می‌پرداخت؛ زیرا قیام حسینی زمانی می‌توانست به هدف برسد که مردمان را هم‌دل و همراه سازد و این مهم، جز با بیداری و روشن‌گری جامعه امکان‌پذیر نبود. پس از واقعه دردناک کربلا نیز باید شخصی ادامه این مسئولیت سنگین را به عهده می‌گرفت تا به مردمان بیدار شده از شمشیر کربلا بیان بفهماند که اکنون زمانه قیام برای عدالت است. جز حضرت زینب علیها السلام کسی نمی‌توانست پرچم این رسالت را بردوش بگیرد. (بنت الشاطی، ۱۳۷۸: ص ۱۷۶)

۳. بهره‌برداری بهینه از ابزارهای تبلیغ

با توجه به این‌که تبلیغ، شیوه‌های گوناگونی دارد؛ ابزارهای گوناگونی را نیز می‌طلبد که هر کدام در جایگاه خویش اهمیت دارد. بانوی قهرمان کربلا برای زنده نگه داشتن قیام خونین کربلا و بیدارسازی مسلمانان، از ابزارهای گوناگونی مانند رفتارهای عالمانه، به‌کارگیری اصول روان‌شناسی، دعا و عبادت، گریه و فغان و برپایی مجلس سوگواری بهره می‌جست. ولی مهم‌ترین ابزاری که توانست نقش تأثیرگذاری در ماندگاری این نهضت، جاودانی و روشن‌گری آن داشته باشد، خطبه‌های روشن‌گران حضرت علیها السلام به ویژه در کوفه و شام بود. (نقدی، ۱۳۶۲: ص ۱۵۶)

۳-۱- خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام دو خطبه اصلی؛ یکی در کوفه و دیگری در شام (مجلس یزید)، ایراد نمود که هر دو اهمیت به سزایی دارد. این دو خطبه هم از حیث مضمون و محتوا و هم شرایط مکانی و موقعیت ایراد آن متفاوتند. مورخان، تاریخ‌دانان و بلاغیونی که در خطبه حضرت علیها السلام، تأمل و تدبر کرده‌اند، به ویژگی‌ها و صفاتی اشاره داشته‌اند که باید در تمام تبلیغ‌گران باشد. راوی این خطبه، بشیر بن خزیم درباره صلابت و قوت بیان آن بانو علیها السلام می‌گوید:

به خدا سوگند! هرگز من زن باحیا و محجوبی را سخن‌گوتر از زینب ندیدم.

نکته ظریف و مهمی که برای آگاهی‌بخشی مسلمانان در خطبه‌ها و سخنان حضرت زینب علیها السلام به چشم می‌خورد، آن است که ترتیب ویژه‌ای را در بیان مطالب رعایت می‌کند؛ یعنی

محتوا و مضمون سخنان خود را با بیان شیوا و رسا، ابتدا به کتاب خدا، سپس احادیث جدش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پس از آن به پدرش امام علی عَلَيْهِ السَّلَام رویدادهای تاریخی مستند می‌کند. حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام به سنت‌های حتمی و قطعی خداوند در آفرینش اشاره می‌کند و در باب نبرد حق و باطل به بیان قانون «پیروزی نهایی حق بر باطل» می‌پردازد که چگونه با همه دسیسه‌ها و نیرنگ‌ها، حقیقت پیروز و ماندگار خواهد شد. (ادیب کربلائی، ۱۳۸۴: ص ۷۲)

۳-۲- خطبه حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام در کوفه

پس از آن‌که ابن سعد، اهل بیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به اسارت از کربلا به کوفه و سپس شام حرکت داد، فرجام این برخورد با توجه به ظاهر حادثه، باید نابودی خاندان پیامبر و پیروزی پایدار حکومت امویان می‌بود؛ ولی حضور فعال اهل بیت در کوفه و شام، به ویژه خطبه‌های پرشور و بیدارکننده حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام نتیجه را به گونه‌ای دیگر رقم زد که در پایان، یزید سرشکسته و شرمنده و پشیمان، مجبور شد آن‌ها را به مدینه بازگرداند.

خطبه‌های حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام متناسب با شرایط زمان و مکان بیان می‌گردید تا کسانی را که گرفتار تبلیغات امویان شده بودند، بیدار کند. حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام و کاروان او، سازمان تبلیغی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بودند و سرنوشت قیام و آگاهی بخشی مردم به دست آن‌ها بود. اسیران، در حالی وارد کوفه شدند که نیروهای امنیتی عبیدالله بن زیاد سواره و پیاده، راه‌های ورودی و خروجی شهر و کوچه‌های آن را تحت مراقبت قرار داده بودند تا هرگونه حرکت مشکوکی را مهار کنند. از سوی دیگر، جارچیان و جاسوسان حکومت، ورود اسیران را به شهر اعلام کرده و مردم را برای تماشا دعوت نموده بودند.

عبیدالله از سوی یزید، دستور داشت که اهل بیت را در شهر بگرداند تا قدرت حکومت خود را به آنان بنماید. تبلیغات بنی‌امیه، اسیران را خارجی (به معنی خارج شده از دین) معرفی کرده بود. هنگامی که سرمطهر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به نیزه‌ها زدند و همراه اسیران در شهر کوفه گردانند، فضای وحشت ایجاد شد. شهر در قبضه مأموران قرار گرفت و نفس‌ها در سینه حبس گردیده بود. چنین فضای تاریکی، فریادگر قهرمان و شجاعی می‌خواست تا مردم را آگاه ساخته و آنان را علیه یزیدیان برانگیزاند. راوی نقل می‌کند:

حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام بر مردم نهیب زد: «خاموش باشید!» با این نهیب، زنگ

اشتران نیز از صدا افتاد. آن‌گاه او شروع به ایراد خطبه نمود. (فهمی عبدالوهاب،

۱۹۸۵: ص ۴۳)

۳-۳- خطبه حضرت زینب علیها السلام در کاخ یزید

یزید از قتل امام حسین علیه السلام و پیروزی خود سرمست بود. مجلسی بی سابقه ترتیب داد که اشراف و سران لشکری در آن شرکت نموده بودند. و بر بالای تخت زرنگار خود نشسته بود و قدرت خویش را می‌دید. دستور داد سرمطهر امام حسین علیه السلام را در برابر او حاضر سازند و زنان و فرزندان آن حضرت را وارد مجلس کنند. در این هنگام یزید، اشعار کفرآمیزی می‌خواند و درباره پیروزی‌های خود یأوه می‌گفت و آیات قرآن را به نفع خود تأویل می‌کرد. پس از این سخنان، ناگهان حضرت زینب علیها السلام از گوشه مجلس برپای ایستاد و بر مجلس چیره شد. آن حضرت علیها السلام با منطق کوبنده خویش آن فرومایه را رسوا ساخت و حقایقی را که ده‌ها سال بر مردم شام مخفی شده بود، نمایان کرد. حضرت در این خطبه، برخلاف خطبه کوفه که مخاطب آن، مردم بودند، به یزید حمله می‌کند و تصویری از نبرد حق و باطل و رویارویی خاندان نبوت با خاندان اموی نشان می‌دهد. مهم‌ترین پیامدهای خطابه حضرت زینب علیها السلام در این خطبه، خوار نمودن دشمن و حفظ کرامت اهل بیت، افشای ماهیت بنی‌امیه، بیان مظلومیت امام حسین علیه السلام و یاران، کنار زدن نقاب ستم، نفی نیستی پس از شهادت، جاودانگی نتیجه‌های مبارزه بوده است. (السیده زینب علیها السلام المثل الاعلی للفضیلة و العفاف، بی تا: ص ۲۵۳)

ابزار و رسانه ابلاغ پیام

انتخاب ابزار مناسب در فرآیند یک اقدام تبلیغی به منظور انتشار پیام می‌بایست متناسب با خصوصیات مخاطبان و نحوه پراکندگی آنان باشد. مبلغ می‌باید از مناسب‌ترین ابزار انتشار پیام در پیشبرد اهداف خویش بهره‌گیری کند. همان‌گونه که امام حسین علیه السلام برای تبلیغ فرهنگ عاشورا، مراسم حج و شهر مکه را انتخاب نمود و در اجتماعات مهم حاجیان، سخنرانی‌های روشن‌گرانه و هدایت‌بخشی را سازماندهی کرد.

حضرت زینب علیها السلام و همراهان مصیب دیده‌اش از زن و کودک نیز با غافله «کاروان اسرای کربلا»، گزارش‌گران و پیام‌آوران راستین واقعه عاشورا و اندیشه‌های بلند امام حسین علیه السلام به نسل‌های بعد شمرده شدند. کاروان اسرا به مثابه رسانه‌ای سیار و خون‌بار، پیام مظلومیت اهل

بیت علیه السلام را منزل به منزل و در هر کوی و برزن با غریب محزون و غم ناک زینب در گوش ناظران سر می داد؛ شیوه ای که بی شک پیش از آن و حتی پس از آن دوره غم بار در بلاغ پیامی به مخاطبان این گونه تجربه نگردیده بود. (الهی، بوته کار، ۱۳۷۵: ص ۲۵)

سیاست ها و شیوه های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام

۱. گریه و فغان و برپایی مجالس عزاداری و شوگواری

پس از این که امام علیه السلام و اصحاب باوفایش به شهادت رسیدند زینب علیها السلام به سرعت به طرف میدان حرکت کرد و وقتی که بدن خونین و پاره پاره برادر را دید شیون کنان گفت:

وا احاه! و اسیداه! و اهل بی تاه!

سپس گفت:

لیست السماء اطبقت علی الارض ولیت الجبال تدکدک علی السهل؛ (مجلسی
اصفهان، ۱۴۰۳: ص ۶۴۱)

ای کاش آسمان بر زمین ویران می شد و ای کاش کوه ها از هم می پاشیدند و به
بیانان ها می ریختند.

زمانی که به پیشنهاد شمر لعین کاروان اسیران را از کنار بدن های قطعه قطعه شده شهیدان
عبور می دادند و زینب علیها السلام پیکر شهدا و بدن پاره پاره شده برادرش را دید، خم شد و بدن پاره پاره
برادر را در آغوش گرفت و دهانش را روی حلقوم بریده برادر نهاد و می بوسید و می گفت:

یا اخی! لو خیرت بین الرحیل والمقام عندک لاخترت المقام عندک ولوان السباع تاكل
من لحمی؛

برادرم! اگر مرا بین سکونت در کنار تو کربلا و بین رفتن به سوی مدینه مخیر
می نمودند، سکونت در نزد تو را برمی گزیدم، گرچه درندگان بیابان گوشت بدنم را
بخورند.

در برخی از مقاتل آمده است در این هنگام رو به مدینه کرده و می گوید:

وا محمداه! صلی علیک ملائکة السماء، هذا حسین مرمل بالدماء مقطع الاعضاء
ویناتک سبایا. (نجفی، ۱۴۰۳: ص ۵۶)

فریاد ای محمد ﷺ و آله درود فرشتگان آسمان بر توباد این حسین علیه السلام تو است که در خون غوطه ور است، اعضایش قطع شده و دختران توبه عنوان اسیر عبور داده می شوند. راوی می گوید:

فابکت والله کل عدو و صدیق؛ (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳: ص ۲۵)

سوگند به خدا هر دوست و دشمن از گریه و گفتار زینب علیه السلام گریه کرد.

محتشم کاشانی در دوازده بند معروف خود در این باره چنین سروده است:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میدان	بر پیکر شریف امام زمان فتاد
بی اختیار نعره «هَذَا حسین» از او	سرزد چنان که آتش از در جهان فتاد
پس با زبان پرگله آن بضعة الرسول	رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول
این کشته فتاده به هامون حسین توست	وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
این نخل ترکز آتش جان سوز تشنگی	دود از زمین رسانده به گردون حسین توست
این ماهی فتاده به دریای خون که هست	زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست
این خشک لب فتاده دور از لب فرات	کز خون او زمین شده جیحون حسین توست
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه	خرگاه زین جهان زده بیرون حسین توست
این قالب طپان که چنین مانده بر زمین	شاه شهید ناشده مدفون حسین توست

آنچه از این گونه اقدامات آن حضرت علیه السلام به دست می آید این است که او می خواهد با این ناله های جان سوز ولی آگاهانه و بیدار کننده، درس های آموزنده به لشکریان فرومایه دشمن دهد. او باید به آنان بفهماند که چه جنایت هایی کرده اند و باید به آن لشکر جنایت کار کوفه بفهماند که جنگشان، جنگ با قرآن، آورنده قرآن و ایمان آورندگان به قرآن بوده است. او می خواهد با این ناله های جان سوز عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید و آنان خود به خود علیه استبداد و یزیدیان قیام و شورش کنند و می بینیم که چنین کرد.

مدتی که در شام اقامت داشت در محله ای به نام «دارالحجارة» مراسم عزاداری برپا کرد و آن چنان عزاداری و نوحه سرایی و گریه و زاری می کرد که مردمی که در آن جا شرکت می کردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برند و او را به قتل برسانند. (مغنیه، بی تا: ص ۲۷۹)

و باز آن بانوی ستمدیده را می بینیم که پس تحمل آن همه مصیبت ها و رنج ها به مدینه

بازگشته و در شهر پیامبر و در خانه خود به سوگواری بر امام علیه السلام و دیگر یاران او می پردازد. در این مراسم عزاداری، هر روز گروه گروه از زنان مدینه به خدمت آن حضرت علیه السلام آمده، ضمن تسلیت به ایشان، به ندبه و گریه می پردازند تا آن جا که به تدریج زنان قبایل و عشایر، تصمیم به خون خواهی شهدای کربلا می گیرند و قیام می کنند. (بنت الشاطی، ۱۳۶۴: ص ۱۸۰)

۲. خطابه و سخنرانی

هنگامی که کاروان اسیران، در آن جویر از ظلم و خفقان به کوفه رسید؛ زنان، مردان و کودکان کوفه همه به معابر آمده تا مغلوبین و اسراء را تماشا کنند. برخی ناراحت و برخی بهت زده و گروهی از شدت تأثر اشک می ریختند.

حضرت زینب علیه السلام موقعیت را تشخیص داد و نگاهی به مردم کرد و با اشاره خواست همه سکوت کنند و با انتخاب بهترین فرصت ها و زیباترین کلمات و جملات و با شجاعتی بی نظیر و علی وار بر مسند خطابه ایستاد.

فرازهایی از خطبه های آن مظلومه علیه السلام را در این قسمت نقل نموده و به تحلیل برخی از نکات آن می پردازیم:

الحمد لله والصلوة على ابي محمد وآله الطيبين الاخيار، اما بعد يا اهل الكوفة، يا اهل الحتل والغدرا تبكون؟ فلا رقات الدمعة ولا هدايات الرنة، انما مثلكم كمثل التي نقضت غزلها من بعد قوة انكاثا تتخذون ايمانكم دخلا بينكم، الا وهل فيكم الا الصلف والنظف والصدر الشنف وملق الاماء وغمز الاعداء وهل انتم الا كمرعى على دمنة او كفضة على ملحودة...؛ (سعید، ۱۳۹۹: ص ۱۷)

حمد و سپاس مخصوص خداوند است و درود بر پدرم محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک و برگزیده او باد! اما بعد... هان ای مردم کوفه! ای اهل نیرنگ و فریب! گریه می کنید؟ ای کاش هیچ گاه اشک چشم هایتان تمام نشود و هرگز ناله هایتان خاموش نگردد. همانا مثل شما مثل زنی است که رشته خویش را پس از خوب تابیدن، باز می کرد. شما سوگندهای خود را دست آویز فساد، در میان خویش قرار داده اید. آیا در شما جز چاپلوسی و آلودگی و سینه های پر کینه و تملق گویی کنیزان و خریدن ناز دشمنان دین، خصلتی هست؟ مثل شما، مثل گیاه و علفی است که در مزبله می روید یا نقره ای آرایش قبیری به آن عوده می شود....

او در ابتدای خطبه از پیامبر ﷺ تعبیر به پدر می‌کند و با انتخاب این کلمه، می‌خواهد خود و قافله اسیران را معرفی کند و نسبت خویش را با پیامبر روشن سازد تا همگان دریابند اهل این قافله از کدام دودمان و قبیله‌اند. و از این راه افکار و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و مردم آنان را با دیده اسیر ننگرند و سپس به بزرگ‌ترین نقطه ضعف کوفیان؛ یعنی سست عنصری و پیمان شکنی آنان اشاره می‌کند و با این کلمات و جملات می‌خواهد آنان را بر این خصلت آگاه سازد.

و در فرازی دیگر از خطبه با نگرش دقیق و ظریف با صفاتی همچون «درمان دردها»، «چراغ راه امت»، «پناه‌گاه جمع» و... به معرفی شخصیت امام می‌پردازد تا جای شک و تردیدی برای آن قوم سست عهد باقی نماند. او هم چنان با مردم سخن می‌گفت و آنان را کشنده حسین علیه السلام و خانواده پیامبر ﷺ معرفی می‌کرد. سخنان او کاملاً صحنه را تغییر داد تا آن‌جا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان موهای خود را افشان کرده بودند و خاک بر سر و روی خود می‌ریختند.

او صحنه دیگری از قیامت را در برابر مردم قرار داد. در آن روز مردم کوفه از شنیدن این سخنان، همچون ستم‌کاران در قیامت، حیران و سرگردان شده و دست‌های خود را به دهان می‌گزیدند. (بنت الشاطی، ۱۳۶۴: ص ۱۸۰)

آن استاد بی‌معلم نه تنها با مردم کوفه سخن گفت و آنان را بر آن کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت و سرزنش کرده؛ که در دارالامارة ابن زیاد نیز چنان نیرومندان ایستاد و پرخاش‌گرانه سخن گفت و او را حقیر و کوچک شمرد که توان سخن گفتن را از او گرفت.

او پس از ورود به شام و حضور در مجلس یزید، با سخنان علی‌گونه‌اش چنان او را رسوا کرد و او را به گریه واداشت که توان پاسخ گفتن از او سلب شد. (مغنیه، بی‌تا: ص ۲۷۹)

۳. سیاه‌پوشی

یکی از عواملی که سبب موفقیت زینب علیها السلام شد، عقل و تدبیر او بود. اصلاً قبل از این‌که عاشورایی و اسارتی در کار باشد، زینب علیها السلام به عقل و تدبیر معروف و مشهور بود؛ به طوری که به او القاب عقيله بنی‌هاشم، عقيلة النساء... داده‌اند.

عقل و تدبیر زینب علیها السلام به گونه‌ای بود که توانست در کارهایش بیش‌تر موفق شود و در غیر این صورت نمی‌توانست در برابر یزید و اطرافیان حيله باز و مزورش موفق شود.

از جمله کارهای مدبرانه حضرت زینب علیها السلام برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل‌ها بود که فرمود:

اجعلوها سوداء حتى يعلم الناس، اننا في مصيبة وعزاء لقتل اولاد الزهراء علیها السلام؛
محمل‌ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای
کشته شدن فرزندان زهرا علیها السلام هستیم.

هر چند این‌گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی‌ارزش بود، ولی در حقیقت همین کارهای با
ارزش، زمینه‌ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را
متزلزل کند. (بنت الشاطی، ۱۳۶۴: ص ۱۸۰)

۴. رفتارهای عالمانه

یکی از عوامل موفقیت زینب علیها السلام در رساندن پیام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده
است. او همواره تلاش می‌کرد که به وظیفه الهی خود عمل کند و در رعایت حلال و حرام الهی
هیچ‌گونه سهل‌انگاری نمی‌کرد و از هیچ وظیفه شرعی فروگذار نمی‌کرد.
نقل است که وقتی اسرا را وارد کوفه کردند، مردم کوفه از روی ترحم به اطفال و اسیران نان و
خرما می‌دادند. ام‌کلثوم علیها السلام فریاد می‌زد:

ای اهل کوفه! صدقه بر ما حرام است و آنان را از دست و دهان بچه‌ها می‌گرفت و
به سوی مردم می‌انداخت. (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۶: ص ۲۵۴)

حتی حاضر می‌شود نان و غذای خود را بین بچه‌ها تقسیم کند و سه روز یا بیش‌تر چیزی
نخورد ولی اجازه نمی‌دهد که ذره‌ای از صدقه را تناول کنند.

یکی از موارد عملی تبلیغ حضرت زینب علیها السلام حفظ حجاب است. او نه تنها در حالت
عادی، بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی اهتمام زیادی در حفظ خود از انظار و دیده‌های
مردم داشت.

راوی می‌گوید: وقتی از حج برمی‌گشتم، وارد کوفه شدم. دیدم اسرا را وارد کوفه کرده‌اند. امام
سجاد علیه السلام را دیدم که برشته‌تری بدون روپوش سوار بوده و از پاهایش خون جاری بود. در این
هنگام بانویی را دیدم که برشته‌تری برهنه سوار است. سؤال کردم: «او کیست؟» گفتند: «زینب

کبری علیها السلام است.» فریاد می‌زد: «ای مردم! چشم‌های خود را از ما بیوشانید. آیا از خدا و رسولش حیاء نمی‌کنید که به حرم رسول خدا در حالی که پوششی ندارند، می‌نگرید؟ (فاضل، بی‌تا: ص ۶۳۵)

او می‌خواهد با عمل و رفتار خود به جهانیان بفهماند که حسین علیه السلام و یارانش برای احیای احکام الهی شهید شده‌اند و زنان و کودکانش به همین دلیل به اسارت می‌روند. و بنی‌امیه و دستگاه حاکمه یزید نسبت به احکام الهی نه تنها بی‌اعتنا هستند؛ بلکه احکام الهی را واژگون کرده‌اند.

قاطعیّت و ابراز وجود

قاطعیّت و ابراز وجود به معنای تن به خطر دادن در راستای تحقّق اهداف خویش است. زینب علیها السلام که پرورش یافته مکتب علوی است - هدفی جز رضای خدا و پاسداری از دین جدّش ندارد. این در حالی است که عشق به ولایت در قالب عشق حضرت زینب علیها السلام به برادرش امام حسین علیه السلام متجلی گشته است. بنابراین با عزمی راسخ در راستای تحقّق هدف متعالی خویش که همان یاری امام معصوم زمان خویش است - مدبّرانه برای ازدواج خویش شرطی تعیین می‌کند. این شرط بیان‌گر قاطعیّت او در همراهی و یاری امام خویش و هم‌چنین تدبیر و دور اندیشی اوست.

زینب علیها السلام به همسری پسر عمویش عبدالله بن جعفر درآمد، مشروط بر آن که هرگاه برادرش حسین علیه السلام خواست به مسافرتی برود و زینب علیها السلام خواست با او همراهی کند، عبدالله از او جلوگیری نکند. (فاضل، بی‌تا: ص ۶۳۵)

قاطعیّت و صلابت زینب علیها السلام در مواجهه با دشمنان ملموس تر است. در کاخ یزید با وجودی که حضرت علیها السلام در لباس یک اسیر ظاهر شده است، یزید را خطاب قرار داده، می‌فرماید: حالا که حوادث تلخ روزگار مرا به این جا کشانده است که با توهم صحبت شده‌ام، تو را بسیار خوار و حقیر می‌دانم و سرزنش تو را کاری ارزشمند می‌دانم و تو را به خاطر عملی که انجام دادی، بسیار توبیخ می‌کنم.

عمل کرد عزّت محور حضرت زینب علیها السلام

زینب علیها السلام به عنوان پیام‌رسان عاشورا، تنها زنی است که در یک مقطع زمانی، به عنوان نایب

امام معصوم انجام وظیفه نموده است. در اثبات الوصیّه مسعودی آمده است:

حسین علیه السلام به خواهرش زینب علیها السلام وصیت کرد و زمان امام چهارم علیه السلام، علوم آل محمد صلوات الله علیهم از زبان زینب علیها السلام دختر علی علیه السلام، نشر می شد. برای پرده پوشی بر امام چهارم علیه السلام و حفظ جان او. (افتخاری ساوجی، ۱۳۵۳: ص ۲۴۳)

انجام این وظایف خطیر، نیازمند صلابت علی گونه ای است که دوست و دشمن را مقهور خود سازد. در ناسخ التواریخ در احوالات حضرت زینب علیها السلام آمده است:

چنان خطبه ای را که فصیحای بلاغت آثار و بلغای فصاحت شعرا از اتیان شطری بلکه سطری عاجزند، به آن تسلط و قدرت بیان فرمود و در ضمن آن مراتب شهدا و مقامات سید الشهداء را باز نمایاند و مرتکبین آن اعمال ناخجسته منوال را توییح و ملامت نمود. (فولادزاده، ۱۳۶۹: ص ۳۲)

عزت و اقتدار در وجود مقدّس حضرت زینب علیها السلام عبارتند از: توکل و اتصال به سرچشمه عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق گرای و بی نیازی جستن از خلق.

۴. حق گرای و ظلم ستیزی

مادامی که ظلم و ستم بر جامعه حاکم باشد و مناسبات اجتماع بر مبنای خودکامگی و خودکامه پذیری تنظیم شود، حرمتی برای عزت افراد باقی نمی ماند. چنین جامعه ای برای دوام خودکامگی حاکمانش ذلیل پرور است. با این حال، در چنین جوامعی نیز عزت واقعی از آن افرادی است که خود را به منبع لایزال عزت، متصل نمایند. اینان تقوای الهی را در پیش می گیرند که «هیچ عزّتی بالاتر از تقوا نیست.» (نهج البلاغه حکمت ۱۷۳)

تقوای الهی نیز آن ها را به حق طلبی و حق گرای سوق می دهد. «هیچ ناتوانی حق را نگرفت؛ مگر این که عزیز و نیرومند شد.» (مجلسی، ج ۸۷: ص ۴۷۳) حق گرای مانع تسلیم شدن در برابر فرومایگان می گردد. از همین رو، سیدالشهدا علیه السلام معلّم بزرگ عزت و آزادگی می فرماید:

آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) فرزند فرومایه، مرا میان دو راهی شمشیر و خواری قرار داده است و هیهات که ما تن به خوار بدهیم. (خوارزمی، ج ۲، ص ۷)

زینب علیها السلام نیز که رشد یافته مکتب عزت محور حسین علیه علیه السلام است در برخورد با ابن زیاد و

یزید، به گونه‌ای رفتار می‌کند که هیبت دروغین آن‌ها، درهم شکسته می‌شود؛ زیرا عزت و اقتدار عقیده بنی‌هاشم از حق‌گرایی او نشئت گرفته است و انسان حق‌طلب از عزت و اقتدار بالایی برخوردار است و عزت نفس بالا در رفتار و گفتار و حتی حالات فیزیکی او متبلور می‌شود. درباره نحوه ورود حضرت زینب علیها السلام به قصر دارالاماره نقل شده است که زینب علیها السلام بدون این‌که اعتنایی به آن جبار ستم‌گر (ابن زیاد) نماید، وارد مجلس گردید و نشست. چون زینب علیها السلام با آن حالت و بدون اجازه گرفتن از ابن‌زیاد در جای خود جلوس نمود، ابن‌زیاد با بهت و حیرت پرسید: «تو کیستی که این چنین می‌نشینی؟» زینب علیها السلام بی‌اعتنا به او جواب نداد. ابن‌زیاد سه بار پرسش خود را تکرار می‌کند و زینب علیها السلام برای درهم کوبیدن اقتدار دروغین او و تحقیر این مظهر خودکامگی، به او پاسخی نمی‌دهد تا سرانجام یکی از کنیزکان می‌گوید: «این زینب علیها السلام دختر فاطمه علیها السلام است.» ابن‌زیاد که عزت غیر خدایی‌اش به ذلت مبدل گشته بود، با خشم و کینه، رو به زینب علیها السلام می‌کند و می‌گوید: «خدا را شکر که شما را رسوا کرد.» زینب علیها السلام دیگر سکوت را جایز نمی‌داند با اقتدار و صلابت، بار دیگر عزت الهی خود و خاندانش را به رخ ابن‌زیاد می‌کشد: «سپاس سزاوار خدایی است که ما را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم، گرمی داشت و از آلودگی و پلیدی مبرا ساخت.» (طبری، ج ۵: ص ۷۵۴)

زینب علیها السلام بار دیگر اعلام می‌دارد که عزت او و خاندانش به واسطه اتصال آن‌ها به ذات باری تعالی است:

من اعتزّ بغير الله أهلکه العزّ (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۷۴)

هر کس عزت را از غیر خدا بجوید، آن عزت او را هلاک می‌کند.

عشق به خدا و حق محوری یکی از اصلی‌ترین عوامل رفتارهای عزت محور و اقتدار حضرت زینب علیها السلام در رویارویی با خودکامگان زمان بود. عشق به خدا و پای‌بندی به اخلاق، یکی از عواملی است که باعث ایجاد عزت نفس بالا در افراد می‌گردد؛ زیرا حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی انسان را به سمت پاسداری از حرمت نفس سوق می‌دهد و این حرمت نفس، نوعی خودارزشمندی در فرد ایجاد می‌کند. عزت نفس نیز به حرمت نفس و احساس خودارزشمندی دلالت می‌کند. این احساس خودارزشمندی باعث می‌شود که انسان از موضع قدرت با مسائل و مشکلات روبه‌رو شود. مصداق بارز این نوع عمل کرد در برخورد عقیده بنی‌هاشم قابل مشاهده

است. در تواریخ نقل شده است که حضرت زینب علیها السلام هنگام ایراد خطبه در کوفه، به مردم اشاره کرد که ساکت شوند. همه ساکت شدند. پس از اتمام خطبه ایشان، راوی می گوید:

مردم کوفه از استماع این کلمات در حیرت شده بودند و می گریستند و دست ها به دندان می گزیدند. اقتدار و صلابت علی گونه زینب علیها السلام طوری بود که حتی آن هنگام که در لباس یک اسیر به ظاهر شکست خورده، به ایراد خطبه می پردازد، دوست و دشمن در برابر عزت و اقتدار او و خاندانش سر تعظیم فرود می آورند. (فولاد زاده، ۱۳۶۹: ص ۳۲)

۵. دعا و عبادت

از دیگر شیوه های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام دعا و عبادت است. او همواره می دانست که دشمنان در انتظارند تا کوچک ترین واکنش یا کلامی را جستجو کنند که نشانه ای از ضعف خاندان پیامبر باشد. و از این رو او برای این که دشمنان را مأیوس کند، در روز یازدهم وقتی که در کنار جسد برادر آمد، توقف کرد و با خلوصی خاص متوجه خدا گردید و عرض کرد:

اللهم تقبل منا قليل القربان؛ (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳: ص ۵۶۹)
خداوندا! این قربانی کوچک را از ما قبول کن.

از دعایی که حضرت زینب علیها السلام نمود، می توان دریافت که با همه این مصایب و مشکلات، باز هم در برابر توفان های کوبنده ایستاده است و با خدای خود می گوید:

يا عماد من لاعماد له ويا سند من لاسند له يا من سجد لك سواد الليل وبياض النهار وشعاع الشمس وحفيف الشجر ودوى الماء يا الله، يا الله، يا الله؛ (نجفی، ۱۴۰۳: ص ۵۲)

ای پناه گاه آن که جز تو پناهی ندارد! ای تکیه گاه آن که جز تو پشتوانه ای نمی شناسد! ای خدایی که سیاهی شب و سپیدی روز و روشنایی خورشید و صدای آرام درخت و آب بر تو سجده می کنند! ای خدا! ای خدا!

نیز در خطبه ای که در مجلس یزید بیان کرد این گونه دعا می کند:

... اللهم خذ بحقنا وانتقم من ظالمنا واجعل غضبك علي من سفك دماننا ونقض دماؤنا وقتل حماتنا وهتك عنا سدولنا؛ (نجفی، ۱۳۶۸: ص ۴۵)

خدایا! حق ما را بازگیر و از آن کس که به ما ستم کرد انتقام بگیر و خشم خود را بر کسی که خون‌های ما را ریخت و عهد ما را شکست و یاران ما را کشت و از ما پرده‌داری کرد فرود آر.

۶. مقام علمی

یکی از فضایل و خصایص حضرت زینب علیها السلام مقام علمی اوست. او زنی دانشمند، سخن‌ور، فصیح و بلیغ بود و نایب خاص امام حسین علیه السلام در بیان حلال و حرام الهی بود. و روایت است که در اسارت هنگامی که امام سجاد علیه السلام بیمار بود، مردم در حلال و حرام به زینب علیها السلام مراجعه می‌کردند و او هم پاسخ آنان را می‌داد. (بحرالعلوم ۱۳۶۹: ص ۱۲۸)

امام صادق علیه السلام برای جواز چاک دادن گریبان در مصیبت فقدان پدر و برادر و... به فعل و عمل زینب علیها السلام در جریان کربلا استناد می‌کند. (جوهر الکلام، ج ۴: ص ۳۰۷)

و از این سخن امام سجاد علیه السلام که در خطاب به عقيله بنی هاشم می‌فرماید:

یا عمه! انت بحمد الله عالمة غیر معلمة و فهمة غیر مفهمة؛ (مجلسی، ج ۴۵: ص ۶۴)

عمه جان! تو بحمد الله عالمه‌ای هستی، بدون این‌که معلم داشته باشی و تو فهمیده‌ای هستی، بی آن‌که کسی مطالب را به تو یاد داده باشد.

پی می‌بریم که زینب کبری علیها السلام علم و دانش خود را از طریق دیدن استاد و معلم به دست نیاورده، بلکه از جانب خدای تعالی به آن حضرت اعطا شده است.

۷. تبلیغ در زمان اسارت

در زمان اسارتش او تبلیغ را یک وظیفه الهی می‌دانست. با فصاحت و بلاغت موروثی، علم ذاتی، شجاعتی علی‌وار، با این‌که در بند است اما شمشیر برنده و گویای خود را برهنه کرده، آن را با تمام وجودش علیه تمام اقتدار یک حکومت طاغوتی فرود می‌آورد.

این قهرمان بزرگ تاریخ برای کاری سترگ پیا خاست؛ بی آن‌که کم‌ترین تردیدی به خاطرش راه یابد یا از آن موقعیت خطر خیز بهراسد.

او در کوفه با مشاهده مردمی فریب‌کار در اوج استعداد و قله توانایی و در اجرای طرح و شیوه دفاعی خود، در نهایت پایداری و ثبات قدم قرار می‌گیرد. پای نهادن در چنین راهی برای زن، به علت ضعف طبیعتش و فراوانی دردها و رنج‌هایش، نه تنها آسان نیست بلکه علاوه بر همت و

شجاعت، قدرت ادبی، فصاحت بیان و قوه خلاقه‌ای می‌طلبید تا کلمات را به تمامی از معانی انقلابی و اعتقادی پر بار سازد. و مهارت هنرآفرینی نیاز است که حقایق و درد و رنج‌ها را تصویر و وضع موجود را نقد و ترسیم، و حسین علیه السلام و یزید دو چهره متضاد را معرفی کند.

در رویارویی با «ابن زیاد» و «یزید» در کوفه و شام، در اطرافش زنان چندی از نزدیکان و خویشان او مانند ستارگان پراکنده بر صفوفی نامنظم گرد آمده بودند که همه آن‌ها جوانب این مبارزه را اندیشیده، آماده پیکار بودند.

گویی زینب علیها السلام در آن لحظه برای رویارویی با دشواری‌ها، قلب امام حسین علیه السلام را به عاریت گرفته بود. حاضر شدن در کنار ظالمانی که کوه‌های سرکش را به هراس می‌انداخت و انسان‌های زیادی را مرعوب می‌نمود و مردم آن روز رنگ پریده، با ترس و هراس، جرأت خود را از دست داده بودند، کاری بس دشوار می‌نمود. اما زینب علیها السلام هر چند قلبش پردرد، خاطرش مکدر و تنش ناتوان به نظر می‌رسد اما در عمق وجود ژرفای اندیشه دوربینش، صبح شادی و بهجت دمیده و اطمینان خاطری می‌یابد و این اطمینان خاطر از آن نظر است که پیروزی واقعی را در برابر چشم مجسم می‌بیند.

زینب علیها السلام با فصاحت و بلاغتی تمام رسالت خود را اداء می‌نماید. به گونه‌ای که «ابن زیاد» اقرار به فصاحت و بلاغت این بانوی سخن‌ور می‌کند و پس از سخنان زینب علیها السلام، می‌گوید:

این زنی است که سخن به سجع و قافیه گوید و به جان خودم همانا پدرش سخن به سجع می‌گفت و شاعر بود.

در مجلس یزید چنان فصاحت و بلاغت سرداده، جنایات یزید را بر حاضران در مجلس آشکار نمود که یزید خویشتن را حیران دید و مجلسی را که برای افتخار خود تنظیم کرده بود، موجب رسوایی و افتضاح او شد. این سخن‌ها به اطراف پایتخت سرایت کرد و بنی‌امیه منفور و مورد غضب مسلمین شدند و یزید را آشکارا لعن کردند. و یزیدی که می‌خواست برای پیروزی خود جشن‌ها بگیرد، با سخنان این بانو چنان پست شد که چاره‌ای ندید جز این‌که قتل حسین علیه السلام را از خود دفع کند و به ابن‌زیاد نسبت دهد. و در مجلس به صراحت گفت:

خدا لعنت کند پسر مرجانه را! من به قتل حسین علیه السلام راضی نبودم. ابن‌زیاد عجله کرد و او را به قتل رساند.

ولی این سخن در نفوس مردم تأثیر نکرد؛ بلکه کار به جایی رسید که دودمان یزید به کلی نیست و نابود گردید.

یکی از دانشمندان لبنانی می‌نویسد:

زینب علیها السلام نشان داد که در میان اهل بیت باجرات‌ترین بانو و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین آن هاست. او کارهایی مانند استدلالات عقلی، قوت نفس، شجاعت همراه با فصاحت و بلاغت، در کربلا و بعد از آن انجام داد که شهرتش همه جا پیچید و ضرب‌المثل گردید. مورخان و نویسندگان به این مطلب گواهی می‌دهند.

زینب علیها السلام با استفاده از دو اصل هم‌دوش، «پیکار» و «تبلیغ»، رسالت عاشورای حسین علیه السلام را با همه ویژگی‌هایش به طرز صحیح به پایان می‌رساند و با قهرمانی خاص خود در بحران‌های فرساینده زندگی، مسؤولیت خویش را فراموش نمی‌کند و بسان یک «پیامبر تبلیغی» نقشه طرح‌ریزی شده مکتب انقلاب حسین علیه السلام را شکل می‌بخشد. (منصوری لاهیجانی، ۱۳۶۹: ص ۲۰۰)

۸. به‌کارگیری اصول روان‌شناسی

گفتنی است گرچه اصول روان‌شناسی در تبلیغ به صورت کلاسیک از ابتکارات علوم معاصر است ولی در تبلیغات اصیل آسمانی نیز مورد توجه قرار گرفته است و سیره رهبران و ائمه اطهار نشان می‌دهد که آنان در تبلیغ به اصول روان‌شناسی فردی و اجتماعی توجه کامل داشته‌اند.

حضرت زینب علیها السلام نیز، در امر رساندن پیام امام حسین علیه السلام به جهانیان، از این اصول از جمله تحقیر دشمنان، تکریم دوستان، تحریک عواطف و مخاطب‌شناسی استفاده نموده است.

وقتی که با کوفیان سخن می‌گوید، در آغاز خطبه بر اصالت خاندان خودش تأکید می‌ورزد و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعبیر به پدر می‌کند تا عواطف و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و آنان خود به خود آماده قیام و شورش شوند.

و در فراز اول خطابه خود به بزرگ‌ترین نقطه ضعف کوفیان؛ یعنی سست عنصری و عهدشکنی اشاره می‌کند و آنان را از این راه تحقیر می‌کند.

و باز آن بانوی بزرگوار را می‌بینیم که در کاخ ابن زیاد، او را «پسر مرجانه» می‌خواند که برای

عبیدالله توهین آمیزترین و رسواکننده ترین القاب است که حاکی از نامشروع بودن وجود وی و بدنام بودن مادرش است و آن چنان ضربه بر پیکر لرزان عبیدالله می زند که تصمیم به قتل زینب علیها السلام می گیرد.

در فرازی از خطبه آتشین خود در خطاب به یزید به معرفی یزید، پدر، جد و جدده اش می پردازد و بر اصالت خاندان خود تأکید می ورزد و می فرماید:

وکیف یرتجی مراقبة من لفظ فوه اکباد الاذکیاء و نبت لحمه من دمء الشهداء...؛

(مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳: ص ۴۵)

و چگونه توقع و امید دل سوزی از آن کسی باشد که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان روئید...؟

از مقایسه بین دو خطبه ای که در کوفه و شام بیان فرمود، به این نتیجه می رسیم که اصل مخاطب شناسی را کاملاً رعایت کرده است؛ زیرا که در کوفه اکثر مخاطبین او عموم مردمند که در جهل و ناآگاهی به سر می برند و به مقتضای حال، سخن را در خور فهم مخاطبان بیان می نماید و آنان را از جنایتی که مرتکب شده اند و نیز از شخصیت شهیدان آگاه می سازد؛ ولی در شام در مجلس یزید، چون خواص حضور دارند و همه دارای آگاهی نسبت به امور هستند، لحن خطاب فرق می کند و در نتیجه به رسوا کردن و مایوس نمودن یزیدیان می پردازد.

آنچه اشاره شد اجمالی از سیاست ها و شیوه های تبلیغی آن بزرگوار بود. شیوه های دیگری از قبیل شجاعت، شهامت، فصاحت و بلاغت و وقت شناسی از دیگر روش های تبلیغی آن بزرگوار بوده است. (نجفی مرعشی، ۱۴۰۱: ص ۹۸)

نتیجه گیری

در آن چه گذشت، بعد از واقعه عاشورا، حضرت زینب علیها السلام به عنوان رهبر کاروان اهل بیت به وظیفه خود که نشر اهداف قیام حسینی و آشکار کردن ماهیت قیام اباعبدالله علیه السلام بود عمل نموده و با بیان خطبه های آتشین با مضامین و محتوای ارزشمند، رسالت امام حسین علیه السلام را به اتمام رساند، چنانچه بسیاری از مورخان اسلامی اذعان کرده اند اگر زینب علیها السلام بعد از قیام عاشورا حضور فعال خود را در این جایگاه به اثبات نمی رساند، واقعه کربلا در همان جا می ماند. آشنایی عمیق با علوم دینی، تفسیر و بصیرت و شناخت آن بزرگوار با تاریخ و معرفت شناسی دینی،

بسیار قابل توجه بوده است و لذا خطبه‌های آن حضرت علیه السلام به واسطه یک چنین پشتوانه علمی حاوی بحث‌های مهم تفسیری، روایی، کلامی و اعتقادی است. ارزش و عظمت زینب کبری علیه السلام، به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او در پیام‌رسانی مظلومیت حسین بر اساس تکلیف الهی بود و لذا پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام، این عقیده بنی‌هاشم به سان نوری در دل و جان و آفاق عالم درخشید و به جایی رسید که فقط والاترین انسان‌های تاریخ بشریت؛ یعنی پیامبران می‌توانند بدانجا راه یابند. او به خوبی می‌دانست که زاده و پرورده شرافت و عزت است و بی‌تردید، علاوه بر این آگاهی و پرورش آن ویژگی‌های متعالی شخصیتی، یک مشیت الهی هم وجود داشته تا ایشان برای جامعه، مرجعیت و حجیت فکری و اعتقادی پیدا کند. در واقع آن چیزی که باعث تثبیت جایگاه امامت و خاندان رسالت و حفظ ارزش‌های اصیل اسلام شد، حرکت انقلابی حضرت زینب علیه السلام و کاروان اسراء بود. کاروانی که به مثابه رسانه‌ای سیار مظلومیت امام حسین علیه السلام، خاندان و یارانش را در طول تاریخ به گوش جهانیان رساند. کاروانی که پیش از هر رسانه دیگر با پیام خونینی به وسعت تاریخ به حرکت درآمد و اگر چه پس از طی چند منزل متوقف ماند، ولیکن از آن پس پیام مظلومیت حسین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بی‌هیچ محمل و مرکبی در هر زمان و مکان تا ابدیت، ساری و جاری ساخت. بله رسانه همان پیام است. چنانچه رسانه پیامی چون خون نافذ و جاوید و پیام‌رسانی چون زینب علیه السلام داشته باشد، بی‌شک می‌توان نقش و رسالت حضرت زینب علیه السلام را نیز در ابلاغ و نشر پیام مظلومیت خونین امام برحق، با هدف تکمیل رسالت حسینی و نیز افشای چهره پلید حاکمان فاسق و فاجر بنی‌امیه و با نقش‌آفرینی بی‌مثال حضرت زینب علیه السلام در نشر پیام خون‌بار حسین علیه السلام را در راستای بسط آیین‌انگاره تلفیقی در این بررسی اجمالی تعمیم داد. به ویژه آن که بازگویی حکایت پر رمز و راز واقعه عاشورا و رسوائی آن خاندان گمراه و افشای مظالم بی‌شمار امویان، بدون حرکت کاروانی غم‌بار از اسرای اهل بیت و بی‌حضور و راهبری پیام‌آور صادقی چون زینب علیه السلام، ممکن نمی‌گردد.

منابع

- ادیب کربلائی، محمدحسین (۱۳۸۴)، زینب علیها السلام نخت الحسین علیهما السلام، نجف، بی نا.
- افتخاری ساوجی، محمد (۱۳۵۳)، ترجمه منظوم خطبه حضرت زینب کبری علیها السلام در مجلس نیزید، قم، بی نا.
- الهی، حسن (۱۳۷۵)، زینب کبری علیها السلام عقیده بنی هاشم، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه.
- بحرالعلوم، محمد (۱۳۶۹)، سیری در زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ترجمه: امیر وکیلیان و کریم جعفری، تهران، حکمت.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۵۰)، شیرزن کربلا، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، حافظ.
- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۳۶۴)، بانوی کربلا زینب علیها السلام دختر زهر علیها السلام، ترجمه: سیدرضا صدر، قم، ۲۲ بهمن.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۴۸)، زینب علیها السلام بانوی قهرمان کربلا، ترجمه: مهدی آیت الله زاده نائینی و حبیب چایچیان، تهران، امیر کبیر.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۷۸)، بانوی کربلا حضرت زینب علیها السلام، ترجمه: آیت الله سیدرضا صدر، به اهتمام سیدباقر خسروشاهی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- تمیمی آمدی (۱۳۸۰)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
- حائری جزایری، نورالدین (۱۴۰۴ق)، الخصائص الزینبیه یا ویژگی های حضرت علیها السلام، با مقدمه محمدتقی تاج الدین، قم، حضرت مهدی.
- خوارزمی، ابوالمؤید الموفق بن احمد الحنفی، (۱۳۹۴ق)، مقتل الحسین علیهما السلام، ج ۲، قم، مکتبه المفید.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۶۸)، زندگانی زینب کبری علیها السلام، تهران، ناس.
- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۶۹)، نگاهی کوتاه به زندگانی زینب کبری علیها السلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- سپهر، عباس قلی خان (بی تا)، الطراز المذهب فی احوال سیدتنا زینب علیها السلام، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیة.
- سعید، حسن (۱۳۹۹ق)، نقش زینب کبری علیها السلام در رهبری الهی حسن، اصفهان، حسینیه عمادزاده.

- طبری، محمدبن جریر (۱۳۲۵)، تاریخ الرسل والملوک، ج ۵، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- عطایی خراسانی، علی (۱۳۴۸)، دختر علی زینب علیها السلام قهرمان کربلا، تهران، اسلامیة.
- فاضل، جواد (بی تا)، ترجمه خطبه های حضرت زینب علیها السلام، تهران، علمی.
- فولادزاده، عبدالامیر (۱۳۶۹)، حضرت زینب علیها السلام بزرگ بانوی کربلا، قم، کانون نشر اندیشه های اسلامی.
- فهمی عبدالوهاب، محمد (۱۹۸۵)، السیدة زینب علیها السلام عقيلة بنی هاشم، تونس، دارسلامة.
- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۶)، خاتون دوسرا، تهران، مرکز انتشارات فیض الاسلام.
- قمی، عباس (۱۳۷۹)، منتهی الآمال، قم، انتشارات کامکار.
- گروه نویسندگان (بی تا)، السیدة زینب علیها السلام المثل الاعلی للفضیلة والعفاف، قاهره، نشر العلوم والمعارف الاسلامیة.
- مجلسی اصفهانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۸ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۵۴، قاهره، انتشارات دار احیاء.
- مدنی، سیدابوالحسین یحیی اعرج عبیدلی (۱۴۰۱ق)، اخبار الزینبات، با مقدمه آیه الله العظمی نجفی مرعشی، قم.
- مغنیه، محمدجواد (بی تا)، بانوی شجاع زینب کبری علیها السلام، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، تهران، خزر.
- منصورى لاهیجانی، اسماعیل (۱۳۶۹)، زینب کبری علیها السلام فریادی بر اعصار، تهران، مجتمع شهید مطهری.
- نجفی، محمدجواد (۱۳۶۸)، ستارگان درخشان زینب کبری علیها السلام، تهران، اسلامیة.
- نجفی مرعشی، محمدجواد (۱۴۰۱ق)، قهرمان کربلا زینب کبری علیها السلام، ترجمه «اخبار الزینبیات» و «السیدة زینب علیها السلام»، مقدمه: آیه الله العظمی نجفی مرعشی، تهران، فراهانی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دارالاحیاء التراث العربی.